

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش خبری

مطابق روال هرساله، در شب ولادت با سعادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup>، جمعی از شاعران جوان و پیشکسوت با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. در این دیدار که شامگاه شنبه ۲۵ اسفند با اقامه نماز مغرب و عشا آغاز شد، تعدادی از شاعران جوان و پیشکسوت کشورمان، اهالی فرهنگ و استادان ادبیات فارسی و همچنین تعدادی از شاعران فارسی زبان غیر ایرانی حضور داشتند و برخی از آن ها اشعار خود را در حضور حضرت آیت ا... خامنه‌ای خواندند. در این دیدار، ۳۶ نفر از شاعران سروده‌های خود را در موضوعات مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی قرائت کردند. سیدعلی موسوی گرمارودی، محدثه آشتیانی، علیرضا قزوه، سعید حدادیان، حسین زحمتکش، زکریا اخلاقی، سجاد سامانی، محمدحسین ملکیان، سیدعلی اصغر حیدری از هندوستان، مهدی التیجری از عراق، سیداحمد میرزاده، سعیده کرمانی و علی مقدم، از جمله شاعرانی بودند که در این دیدار به شعرخوانی پرداختند. آنچه می‌خوانید مشروح بیانات رهبر انقلاب در این دیدار است.

● شعر متعهد و انقلابی روبه رشد است اگر وقت نگذشته بود، من مایل بودم که از شعر بعضی از این آقایانی که اسم آوردید و بعضی دیگر که می‌بینم در جلسه حضور دارند و من روح لطیف و ذوق سرشار و شعر پخته آن‌ها را می‌شناسم، استفاده کنیم، منتها وقت گذشته و انسان وقتی خسته است ـ حالا شماها که جوانید و به این زودی خسته نمی‌شوید، اما به ویژه در سنین ما انسان زود خسته می‌شود ـ لذّت آن شعر را آن چنان که باید و شاید نمی‌برد. شعر متعهد و انقلابی بمجدا... رو به رشد است. امشب برای من یک شب مژده آفرین بود. شعرهایی که خوانده بود، عموماً شعرهای خوبی بود. البته در یک حد نبود؛ بعضی خوب تر بود، بعضی خوب بود، و کیفیت خواندن و توجه به نکات شعری نشان می‌داد که شعرها ابتدایی سروده نشده است، یعنی ناشی از یک منبع و یک ماذه در درون این شعراست؛ یعنی الحمدلله شاعر تربیت شده در کشور، روزبه روز بیشتر شده و داریم ـ و البته گزارش هم به من دادند که در سال ۴۰۳ آزمون خوبی از سوی شعری متعهد و انقلابی در مراکز ذی ربط به شعر داده شده است.

● این دوره دوره‌ای است که شاعر تشویق می‌شود کمیت‌ها البته خیلی زیاد شده ـ که خیلی خوب است. کیفیت‌ها هم انتظار داریم که به همین اندازه افزایش پیدا کند. الان کمیت بر کیفیت رجحان دارد در بین مجموعه شعرای جوان خوب ما؛ لکن این استعدادهایی که من می‌بینم، همه این‌ها ان شاء... با کیفیت خواهند شد، اگر خوب ادامه بدهند و پیش ببرند. شاعر با کیفیت هم بمجدا... کم نداریم؛ یعنی شعرای خوب، شعرای قوی، شعرابی که انتظار داشتیم به یک رتبه خوبی برسند و رسیده‌اند، الحمدلله داریم در بین مجموعه شعرای متعهد و انقلابی، منتها من بارها و مکرر این را گفته‌ام که هیچ کس ـ هم در شعر و هم در غیر شعر ـ با مشاهده ارتقای خود نباید احساس کفایت بکند.

اینکه شما دیدید شعرتان ارتقا پیدا کرده و توانایی‌تان بالا رفته و محصول کارتان یک محصول برجسته‌ای است، شما را قانع نکند، برای خاطر اینکه شما همچنان با حافظ فاصله دارید، با سعدی فاصله دارید، با نظامی فاصله دارید. اعتقاد من این است که دوره ما می‌تواند سعدی‌آفرین باشد؛ می‌تواند. حالاین عواملی که شاعران شاعری می‌کنند و قادر بر استخدام الفاظ و جمله‌بندی‌ها و واژه‌های می‌کنند چیست، یک بحث مفصلی است، راجع به آن نمی‌خواهم صحبت بکنم؛ به هر حال این دوره دوره‌ای است که شاعر تشویق می‌شود، این منافات ندارد با اینکه شعرا همیشه درد دل‌هایی، گله‌هایی دارند. همیشه همین جور بوده؛ از اوّل تولّد شعر در

ایران، یعنی از هزار و خرده‌ای سال قبل، شعرا همیشه گله داشته‌اند. شما نگاه کنید، شعرای بزرگ [با] این همه برخورداری در دربار پادشاه‌ها و پیول بگیر و مدح یگو که؛ شنیدم که از نقره زد دیدگان ز زر ساخت آلات خوان عصری<sup>(۱)</sup> با همه این‌ها، آن‌ها گله مند بودند و همیشه هم از زندگی گله می‌کردند. این هست؛ این را نمی‌شود نفی کرد و تمام هم نمی‌شود. علّتش هم این است که نایه سامانی‌ها و کجی‌های زندگی تمام نمی‌شود، منتها دیگران نمی‌بینند، شاعر می‌بیند، دیگران زبان گفتنش را ندارند. شاعر زبان گفتنش را دارد، علت این است، این اشکال ندارد. اما شعرای امروز ما بمجدا... برخورداری‌های اجتماعی‌شان ـ کار به مسائل مادی ندارم ـ احترامشان، اینکه این شاعر است، این اهل این هنر بزرگ است، محفوظ است.

● زبان امروز شعر ما بی‌سابقه است

ما زمان طاغوت، شعرای بزرگی را دیدیم که واقعا شاعر برجسته بودند. [اما] کسی اعتنایی به آن‌ها نمی‌کرد، خب مثلاً مرحوم امیری فیروزکوهی خیلی شاعر بزرگی بود، به نظر من بهترین شاعر زمان خودش بود در بین غزل سراها، [اما] کسی اعتنا نمی‌کرد به امیری؛ یعنی اصلاً کسی کاری به کار او نداشت. اگر در خیابان راه می‌رفت، در همان خیابان خانه خودش کسی سلامش هم نمی‌کرد. هیچ وقت در یک برنامه رادیویی، در یک برنامه تلویزیونی ـ که حالا آن وقت خیلی نبود ـ حتی در رسانه‌های مطبوعاتی از او و امثال او دعوت نمی‌شد. تنها کاری که می‌شد مثلاً فرض کنید فلان روزنامه برای اینکه صفحه خودش را پُر کند، یک غزل مثلاً رهی را یا فرض کنید که امیری را یاد دیگران را چاپ می‌کردند، کسی اعتنایی به این‌ها نمی‌کرد. امروز شاعر در تلویزیون، در رادیو، در برنامه‌های گوناگون و مانند این‌ها [حضور دارد]. بنابراین زمینه امروز برای سعدی شدن آماده است، برای حافظ شدن آماده است، برای نظامی شدن آماده است و می‌توان پیش رفت.

به ویژه زبانی که امروز شعر ما پیدا کرده، این زبان، زبان بی سابقه است؛ یعنی الان زبان همین شعرهایی که شما خواندید، این زبان، یک زبان بی سابقه‌ای است؛ این ساخت دوره انقلاب است. حالا اینکه تعریفش چیست، احتیاج به کار و تأمل دارد، البته بعضی‌ها [در این زمینه] کار کرده‌اند. حالا برای من خیلی واضح و روشن نیست اُتّا زبان، زبان جدیدی است، نه زبان آن اشعار قدیمی خراسانی است، نه زبان غزل‌های نوع عراقی است، نه زبان غزل‌های هندی است؛ از هر کدام از این‌ها یک چیزی دارد و یک چیز اضافه‌ای بر این‌ها دارد که این مخصوص این است. خب این خیلی خودش چیز مهمی است. می‌توان یک شاعر بزرگ، شعرای بزرگی، قله‌هایی را فرض کرد در زمان ما. باید ان شاء... این کار انجام بگیرد.

● باطن شاعر، در شعر شاعر اثر دارد

باطن شاعر، در شعر شاعر اثر دارد، چون آنچه شما می‌گویید، از باطن شما می‌جوشد؛ هر چه باطن شما پاکیزه تر و زلال تر باشد، شعرتان پاکیزه تر و زلال تر خواهد

## مادر شدن زیباست

سروده شاعران خراسانی در دیدار با رهبر معظم انقلاب

در حاشیه این دیدار تعدادی از شاعران به شعر خوانی پرداختند که در میان آن‌ها چند چهره خراسانی نیز حضور داشتند. سروده شاعران، سعیده کرمانی درباره تجربه مادری و سید احمد میرزاده در حوزه کودک و نوجوان در ادامه آورده شده است.

● سعیده کرمانی

امیدواری در نگاه روشنش پیداست بر لب ندارد کودک من غیر حرف راست او خاک بازی می‌کند، من درس می‌گیرم دنیای خاکی، بازی آدم فریب ماست با ذوق می‌سازد، خرابیش می‌کند با ذوق یعنی به چیزی دل نمی‌بندد دلش دریاست اسبابِ بازی می‌کند مهر نمازم را

شد، یعنی به این حتما باید توجه کرد؛ نمونه‌هایش را ما دیده ایم، شعرابی که با روحیات خاص خودشان شعر گفته‌اند و شعرشان حاکی از آن روحیات است. توصیه‌م من این است که به ویژه شعرای جوان، که طبعاً به خاطر ذوق و به خاطر احساسات لطیف و مانند این‌ها در معرض یک مسائلی قرار می‌گیرند، هر چه می‌توانند بر تقوا و حفظ آن تشرّع و پایبندی به مبانی معرفتی، بیشتر تأمل کنند. لذا شما در قرآن مشاهده می‌کنید که در آخر سوره شعرا، درباره شعرا [می‌فرماید]: اِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَ ذَکَرُوا اللهَ کثیراً»؛<sup>(۲)</sup> چرا «ذکروا الله کثیراً»؟ خب، همه باید ذکر کثیر بگویند، [اما] اینکه شاعر را بالخصوص می‌گوید باید «ذکروا الله کثیراً»، پیدا است که شاعر به این ذکر کثیر احتیاج دارد؛ یعنی بایستی ذکر کثیر گفته بشود.

● از گنجینه ادب فارسی استفاده شود

یک سفارش من، استفاده از گنجینه ادب فارسی است. بله، ما گفتیم که مثلاً سبک شعر شما با سبک سعدی فرق دارد لکن سعدی یک مجموعه عظیم تجربه‌هنری است یا در درجه بعد حافظ و بعضی دیگر، که واقعا نظیرشان را نمی‌شود پیدا کرد؛ این‌ها از لحاظ ذخایر هنری خیلی برجسته‌اند. از تگه تگه و ذره ذره شعر این‌ها می‌شود نکته استفاده کرد؛ یعنی شما که خوش ذوقید، شما که جوانید، شما که یک چیزهایی را می‌بینید که امثال ما‌ها نمی‌توانیم ببینیم، خیلی چیزهای خوبی می‌توانید استفاده کنید. خواهمش من این است که به این‌ها مراجعه بشود.

● شعر عاشقانه در سنت شعر فارسی، همیشه عقیف و نجیب بوده

یک نکته دیگر بحث شعر عاشقانه، غزل عاشقانه است. گاهی اوقات من اینجا در این جلسه می‌بینم ـ و در سال‌های گذشته هم بوده ـ که مثلاً غزل عاشقانه کائّه یک جرمی است، یا مثلاً یک چیز منفی‌ای است؛ نه، بالاخره در شاعر احساسات حاکی از محبت و به صورتی عشق، به وجود می‌آید، عیبی هم ندارد؛ بنابراین گفتن شعر عاشقانه هیچ اشکالی ندارد. در کنار شعرهایی که برای مفاهیم مقدّس و متعالی گفته می‌شود، شعر عاشقانه هم گفته بشود، اشکالی ندارد، منتها مهم این است که شعر عاشقانه در سنت شعر فارسی، همیشه عقیف و نجیب بوده؛ نگذارید شعر عاشقانه شما از این نجابت و از این عفت خارج بشود؛ این حرف ما است. برهنگی شعر عاشقانه و بی پردگی و بی حیایی شعر عاشقانه درست نیست. در زمان طاغوت، در بین شعرا بعضی بودند که نسبت به این قضیه تعمّد داشتند. من یک وقتی از بعضی‌هایشان اسم آورده‌ام که دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم آن‌را؛ ولیکن خب می‌شود شعر عاشقانه گفت و بدون اینکه هیچ تعریضی<sup>(۳)</sup> به جنبه‌های عفت و نجابت و مانند این‌ها داشته باشد. این هم یک نکته که لازم است.

● مضمون‌های درس آموز با زبان رسا و شیرین و همراه احساس لطیف و رقیق شاعرانه

یک نکته مسئله مضمون و مضمون سازی است. البته در شعرهایی که حالا خوانده شد، مضامین خوبی وجود داشت که انصافاً آدم می‌بیند مضمون یابی و مضمون سازی [وجود دارد]. لکن یک مطلب واحد را با چند زبان می‌شود بیان کرد، شما می‌توانید همان مطلبی را که صد تا شاعر دیگر گفته‌اند ـ چون مطلب خیلی هست؛ گفت؛ «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت» (۵) ـ با یک ترکیب جدید و با یک قالب جدید ارائه کنید، این می‌شود یک مضمون، شعر هندی که گفته می‌شود دارای مضمون است، یعنی این؛ و الا آن چیزهایی که در شعر هندی هست، این جور نیست که در شعرهای دیگر نباشد؛ منتها به صورت استعمال شده در شعر هندی نیست، با آن مضامین نیست. شادم که از رقیبان، دامن‌کنشان گذاشتی گو مشّت خاک ما هم بر یاد رفته باشد<sup>(۴)</sup>

این را کسی نگفته؟ چرا، شاید آدم بتواند ده شعر [با این مضمون] پیدا کند؛ اما این تعبیر «دامن‌کنشان گذاشتی»، مضمون سازی است. حالا البته این معنادر شعر صائب که فوق العاده زیاد است. یعنی اوّل تا آخر شعر صائب همین جور است ـ و شعرای تابع صائب مثل حرزین و امثال او هم همین جور هستند و آن نقطه پیچیده‌اش هم مرحوم بیدل است که خب [شعر] او خیلی سخت است و اصراری هم به نظر من وجود ندارد که ما حتماً آن جور مضمون سازی بکنیم که شرح بخواهد و تفصیل بخواهد، البته رتبه بیدل خیلی بالا است و در شعر هم در لفظ و هم در معنا، کم نظیر است، اما اصراری نیست که حلاً حتماً آن جور شعر گفته بشود. به هر حال، مضمون لازم است؛ زبان، استفاده از واژه‌های متناسب، لازم است؛ نیامدن زبان عوامانه و گفتار رایج بخصوص در سطوح پایین در شعر لازم است. [اگر] به این‌ها توجه بکنید، شعر اعتلا پیدا می‌کند، شعر برجسته می‌شود. من اینجا نوشته‌ام «مضمون‌های درس آموز با زبان رسا و شیرین و همراه احساس لطیف و رقیق شاعرانه»؛ این‌ها اگر باشد، شعر واقعا شعر برجسته‌ای خواهد شد.

● مفاهیم اجتماعی برجسته شوق آفرین

یک نکته دیگر، مسئله مفاهیم موجود زمان ماست، به نظر کم‌تر زمانی این همه مفاهیم اجتماعی برجسته شوق آفرین وجود داشته. حالا شما ملاحظه بفرمایید در همین جلسه از شهید سلیمانی گفته شد، از شهید رئیسی گفته شد، از شهید سنوار گفته شد، از شهید نصرا... گفته شد و مطمئناً خیلی از حضار محترم هم آماده بودند [بگویند] یا شاید هم دارند شعرهایی راجع به همین‌ها؛ یعنی حتماً دارند؛ چون من از آقای ملکیان<sup>(۵)</sup> و بعضی از دوستان، شعرهای خیلی خوبی در همین زمینه‌ها شنیده‌ام. خب این‌ها موضوعات مهمی است؛ در واقع، این‌ها زنده‌کننده مفاهیمی است که باید در ذهن مردم زنده بماند. این کار این زمان است. به نظر من، این هم لازم است.

● مفاهیم حکمت آمیز سطح بالا خیلی بارزتر است و همچنین مفاهیم توحیدی و معرفتی و حکمت



رهبر معظم انقلاب در دیدار شاعران در شب ولادت حضرت امام حسن مجتبی (ع)

# دوره ما می‌تواند سعدی‌آفرین باشد

عکس: Khamenei.ir

در شعر، اینکه شعر یکی از دوستان را من گفتم واقعا حکمت بود. همین جور هم هست، بعضی از تعبیرات و مفاهیمی که در شعر گفته می‌شود، مفاهیم حکمت آمیز سطح بالا است و این‌ها خیلی بارزش است. دنبال این‌ها بایستی بود؛ و البته مخاطب کمی خواهد داشت؛ بلاشک همه آن مفاهیم را نمی‌فهمند. گفتم ز کجایی تو، تسخر زد و گفتا من نیمی‌ام ز ترکستان، نیمی‌ام ز فرغانه<sup>(۸)</sup> این را خیلی آدم نمی‌فهمد که چه می‌خواهد بگوید او؛ یعنی این مستی‌ای که او می‌گوید ای لولی بربط زن تو مست تری یا من؟ ای پیش چو تو مستی، افسون من افسانه<sup>(۹)</sup> این را غالباً ما نمی‌فهمیم که این چه مفهومی است، اما این مفهوم وجود دارد و خواهان دارد و فهمنده دارد؛ کسانی هستند که می‌فهمند این مضامین را و اگر چنانچه کسانی بتوانند، مخاطبان خوبی در این زمینه‌ها پیدا می‌کنند.

● نوع استفاده از تلویزیون

در نوع استفاده از تلویزیون هم من یک نظری دارم دیگر؛ حالا این البته سلیقه شخصی است؛ نمی‌خواهم امروزه‌ی‌ای در این زمینه انجام بگیرد. اینکه ما شاعر مثلاً خوب مطلوب در حد نصاب خودمان را بیاوریم در یک برنامه منظم، مرتّب، هفتگی، یک ساعت، جلوی چشم بیننده نگاه کنیم برای اینکه شعر فلان جوان را بشنود، شعر آن یکی را بشنود، بحث کنند، صحبت کنند، این سطح اعتبار شاعر را پایین می‌آورد. استفاده تلویزیون از شاعر این نیست. همه هم استفاده نمی‌کنند؛ یعنی من خوفم از این است که این جور برنامه‌ها شعر را بازاری کند، آن شاعر خوب را بازاری کند. البته شعر باید حتماً در تلویزیون، در رادیو خوانده بشود؛ با شیوه‌های خوب و مشخصی، یک شعر خوبی، با یک مقدّمه خوبی [خوانده شود]؛ یک مجری خوبی، بگوید؛ بله، مثلاً شاعری هستند این جور، با این خصوصیات، یک شعری در این زمینه گفته‌اند، بعد شاعر با احترام تمام بیاید آنجا بنشیند و شعرش را بخواند، این خیلی خوب است، اما اینکه حالا آن‌طور که من توصیف کردم [باشد]، شعر را به نظر من پایین می‌آورد، مشتری زیادی هم قاعدتاً ندارد؛ یعنی مردم، همه، دوست نمی‌دارند این جور برنامه شعری را. به هر حال امیدواریم که ان شاء... همه جهات را [ملاحظه بفرمایید.]

● شروع دفتر شعر با اشعار توحیدی باشد

یکی از دوستانی که به من مشورت دادند برای مطالب امشب، یک نکته خوبی را تذکر دادند و آن این است که در این دفتر شعری سنت گذشته ما رسم بر این بوده که شروع دفتر با توحیدیه و تحمیدیه بوده؛ «اوّل دفتر به نام آید دانا»<sup>(۱۰)</sup> حتی مولوی هم که اسم خدا و مانند این‌ها را نمی‌آورد، در واقع آن وصل ازلی و آن ارتباط معنوی و مانند این‌ها را دارد بیان می‌کند که آن هم خدا است، آن هم معنویت است، آن هم معرفت است.<sup>(۱۱)</sup> و به نظر من این را اگر بشود مراعات کنید، خوب است؛ یعنی دفتری که چاپ می‌کنید از اشعار خودتان، شروعش با همین شعر معارفی باشد، شعر توحیدی باشد، شعر تحمیدی باشد، ان شاءالله خداوند همه شما را موفق کند.

(۲) خاقانی. دیوان اشعار، قطعات، قطعه‌ای با مطلع «به تعریض گفתי که خاقانیا/ چه خوش داشت نظم روان عصری»، (۳) سوره شعراء، بخشی از آیه ۲۲۷، «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده...»، (۴) اشاره کردن (۵) صائب تبریزی. دیوان اشعار، غزلیات؛ «یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت/ در بند آن مباحش که مضمون نمانده است» (۶) حرزین لاهیجی. دیوان اشعار، از غزلی با مطلع «ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد/ در دام مانده باشد، صیّاد رفته باشد، (۷) آقای محمدحسین ملکیان (۸) مولوی. دیوان شمس، غزلیات، غزلی با مطلع «من بیخود و تو بیخود، ما را که برد خانه؟/ من چند تو را گفتم، کم خورد دوسه پیمان»؛ «گفتم ز کجایی تو؟ تسخر زد و گفت ای جان/ نیمی‌ام ز ترکستان، نیمی‌ام ز فرغانه»، (۹) همان (۱۰) سعدی. دیوان اشعار، غزلیات، غزلی با مطلع «اوّل دفتر به نام آیزد دانا/ صانع، پروردگار می‌توانا، (۱۱) رک، مولوی. مثنوی معنوی، دفتر اوّل، «بشنو این نی چون شکایت می‌کند/ از جدایی‌ها حکایت می‌کند»